

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## الگوی روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در منطقه قفقاز جنوبی

دانیال رضایپور<sup>۱</sup>

### چکیده

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) تأثیر عمیقی بر روابط ایران و ارمنستان گذاشته است. این پژوهش با تمرکز بر الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در قبال ارمنستان، از مفهوم ژئوپلی‌نومیک برای تحلیل تعاملات سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو طرف استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد ایران با هدف حفظ توازن قوا در منطقه، به توسعه روابط با ارمنستان به‌ویژه پس از جنگ ۲۰۲۰ تمایل داشته است. با این حال، نگرانی‌های ژئوپلی‌نومیک مانند همکاری ارمنستان با غرب، کریدور زنگزور و همکاری‌های نظامی آذربایجان با ترکیه و رژیم صهیونیستی، موجب تشدید تنش‌ها در قفقاز جنوبی شده است. این مطالعه با روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

### واژگان کلیدی:

ایران، ارمنستان، قفقاز جنوبی، ژئوپلی‌نومیک، قره‌باغ.

---

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

<sup>۱</sup>. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان. گیلان، جمهوری اسلامی ایران. [danyalrezapoor@guilan.ac.ir](mailto:danyalrezapoor@guilan.ac.ir)

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به مثابه بخشی از محیط پیرامونی با سه کشور قفقاز جنوبی و به ویژه دو همسایه هم مرز خود یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان طیف متنوعی از پیوندها از دین و زبان تا فرهنگ و تاریخ دارد. پیوندهایی که با مهیا ساختن فرصت‌های پرشمار، پیچیدگی‌هایی نیز در روابط دو طرف ایجاد کرده است. قفقاز جنوبی به منزله منطقه‌ای میان ایران و ترکیه و روسیه، عرصه کنشگری قدرت‌های بزرگ جهانی نیز است و ج.ا. ایران به مثابه یک کنشگر ثبات ساز در قفقاز جنوبی در حدود چهار دهه سپری شده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، تلاش‌های بسیاری برای حفظ مناسبات دوستانه با سه کشور قفقازی به انجام رسانده است. در منظومه مناسبات میان کشورهای قفقاز جنوبی و همسایگان پیرامونی در نتیجه پیشینه‌های تنش - آلود و بغرنج در روابط نظیر بحران قره‌باغ کوهستانی ۱۹۹۲-۲۰۲۰، مسئله ترکی - ارمنی و یا جنگ اوت ۲۰۰۸ شاهد شرایطی هستیم که ترکیه و ارمنستان از ۱۹۹۳ تاکنون فاقد روابط رسمی سیاسی بوده و مرزشان مسدود است و تلاش‌ها برای مصالحه ترکی - ارمنی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ نیز در نهایت به ناکامی منتهی شد و از سوی دیگر بعد از وقوع درگیری نظامی بین گرجستان و روسیه در اوستیای جنوبی و آبخازیا در اوت ۲۰۰۸ روابط رسمی دو کشور قطع شده است و کماکان کوشش‌ها برای عادی‌سازی روابط مسکو - تفلیس به نتیجه نرسیده است. در این میان جمهوری اسلامی ایران تنها ضلع از مثلث کشورهای پیرامونی قفقاز جنوبی است که به رغم تمامی فراز و فرودها و بحران‌ها و مسائل پیچیده‌ای که طی حدود سه دهه سپری شده از استقلال کشورهای قفقاز جنوبی در مناسبات دوجانبه تهران و این کشورها و به ویژه در بسیاری از موارد تحت تأثیر طرف‌های ثالث رخ داده است، موفق به حفظ سطحی پذیرفتنی از مناسبات با این همسایگان شده (کولایی و تقی‌آباد، ۱۳۹۸: ۴-۵) و برخلاف دیگر همسایه پیرامونی قفقاز جنوبی، همواره روابط رسمی و به طور عمده دوستانه و معطوف به همکاری را مخصوصاً با کشور ارمنستان داشته است.

بیش از سی سال است که جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان به‌عنوان همسایگان قابل‌اعتماد برای یکدیگر تبدیل شده‌اند. ایران استقلال ارمنستان را در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و از آن زمان به بعد، دو کشور تا به حال اختلافات مرزی، قومی، مذهبی یا رقابت اقتصادی با هم نداشته‌اند. جامعه ارمنی تقریباً در تمام حوزه‌های صنعت، کسب و کارهای کوچک، تجارت، هنر و فرهنگ، آموزش و ورزش ایران مشارکت دارند. این

جامعه ویژگی‌های معمول دیاسپورای سازمان‌یافته ارمنی در سراسر جهان را به نمایش می‌گذارد و کلیساها، مدارس، نشریات، مؤسسات فرهنگی، تیم‌های ورزشی و سایر فضاها و فعالیت‌های هویتی خود را در ایران حفظ کرده‌است. تا زمان انقلاب اسلامی، جمعیت ارمنی‌ها در ایران به حدود ۲۷۰,۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد. از دهه ۱۹۸۰، مهاجرت جمعیت ارمنی ایرانی به ویژه به کشورهای غربی و همچنین به ارمنستان پس از استقلال افزایش یافت و تعیین عدد دقیقی برای ارمنی‌های ساکن ایران امروز دشوار است. یک پژوهشگر در اواسط دهه ۲۰۱۰ این عدد را حدود ۴۰,۰۰۰ نفر<sup>۱</sup> تخمین زده است (Seferian, 2024: 4). علاوه بر جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، نوسانات اقتصادی از دلایل مهاجرت ارمنیان می‌باشد. با این حال ارمنیان به عنوان یک جامعه به رسمیت شناخته شده دارای آزادی نسبتاً وسیعی در مسائل مذهبی و فرهنگی می‌باشند. یکی از توضیحات ممکن برای چنین رویکردی این است که جامعه ارمنی به عنوان تهدید سیاسی برای ج.ا. ایران در نظر گرفته نمی‌شود و بر خلاف دیگر جوامع و هویت‌های اقلیتی - مانند دو مورد ذکر شده - ج.ا. ایران ارمنی‌ها را با مسائل امنیتی در کشور مرتبط نمی‌داند و وجود دیاسپورای ارمنی به عنوان یک کاتالیزور برای روابط رسمی بین تهران و ایروان عمل می‌کند. علاوه بر این، حضور ارمنی‌ها در ایران به طور منحصر به فردی با گنجاندن سه صومعه در فهرست میراث جهانی یونسکو از سال ۲۰۰۸ مشخص شده است. به عبارت دیگر، دولت جمهوری اسلامی به یونسکو درخواست داده تا حضور میراث فرهنگی ارمنی (در واقع مسیحی) را در ایران به رسمیت بشناسد (Voskanyan, 2022: 11). این یک نشانه نادر و تضاد قابل توجهی با سایر کشورها در منطقه به ویژه ترکیه و آذربایجان اسلامی است که دارای آثار مشابه ارمنی هستند.

ارمنستان به علت فقدان منابع مالی کافی سعی کرده که سیاست خارجی خود را فعال‌تر و بازیگران منطقه‌ای مثل ایران را وادار به تضمین امنیت و استقلال خود نماید. در این راستا شاهد تلاش ارمنستان برای افزایش روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با ایران هستیم. هم-زمان با اختلاف‌های بین جمهوری آذربایجان و ایران مخصوصاً بعد جنگ دوم قره‌باغ ۲۰۲۰، ارمنستان به دلیل محاصره از سوی ترکیه، آذربایجان و حتی گرجستان، نگاه ویژه‌ای به رابطه با ایران دارد. البته شرایط نامناسب اقتصادی پس از استقلال نیز نیاز ارمنستان به ایران را تشدید کرده است. در مقابل رابطه با ارمنستان نیز برای ایران مزایای بسیاری

۱. بنا به گفته جامعه آماری داخلی جمعیت ارمنه ایران حدوداً ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر می‌باشد (هفت صبح، ۱۴۰۲).

همچون تحت فشار قراردادان آذربایجان، ایجاد توازن در برابر رابطه آذربایجان با ترکیه و رژیم صهیونیستی دارد. به همین دلیل ایران و ارمنستان بر اساس منافع خود و احساس تهدید مشترک از آذربایجان، گسترش روابط خود را مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع هر دو کشور ایران و ارمنستان برای برقراری شکلی از توازن در مقابل جمهوری آذربایجان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که روابط آنان را با استفاده از مفاهیم ژئوپلیتیکی به خوبی می‌توان تبیین کرد. در همین راستا سؤال اصلی تحقیق به این شکل مطرح می‌شود که الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در مورد ارمنستان در منطقه قفقاز جنوبی چگونه بوده است؟ با استفاده از مفهوم ژئوپلی‌نومیک استدلال می‌شود که الگوی رفتاری تهران برای حفظ توازن قوا در منطقه قفقاز جنوبی، گسترش رابطه سیاسی، امنیتی و اقتصادی با ارمنستان مخصوصاً بعد جنگ دوم قره‌باغ است؛ البته نگرانی‌های ژئوپلی‌نومی همانند همکاری نزدیک دولت پاشینیان با دولت‌های غربی، کریدور زنگرور و تبادل اطلاعاتی - نظامی به قوت خود باقی مانده است که بعد از سال ۲۰۲۰ سبب افزایش تنش‌ها در قفقاز جنوبی مخصوصاً میان ایران و بلوک مقابل که شامل آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی شده است. این مهم را بر اساس رویکرد توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش‌های پژوهش کیفی انجام می‌دهیم که در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است.

**پیشینه پژوهش.** روبانیس در مقاله با عنوان "وضعیت امنیتی ایران در قفقاز جنوبی پس از جنگ در اوکراین" جنگ اوکراین را چارچوب جدیدی برای درگیری ایران، روسیه و ترکیه در قفقاز جنوبی بیان کرده است. از منظر نگارنده برای ایران این جنگ فرصتی است تا از حاشیه نظام مبتنی بر قواعد جهانی به مرکز ثقل یک وضعیت منطقه‌ای به‌عنوان یک قانون‌گذار تبدیل شود که کلید این طبقه‌بندی جدید، داشتن روابط کاری با ترکیه و روسیه، مهار طلبی‌های آذربایجان و محدود کردن دامنه نفوذ رژیم صهیونیستی است. در این طرح، ارمنستان ابزاری با اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کمتر است. ایران تلاش می‌کند از طریق دیپلماسی با آذربایجان و ارمنستان، روابط خود را بهبود بخشد. تهران به دنبال نزدیکی با باکو است تا نقش خود را در ترانزیت منطقه‌ای حفظ کند و همچنین بخشی از تلاش گسترده‌تر برای عادی‌سازی روابط ناپایدار با همسایگانش باشد. ایران همچنین به ارمنستان اطمینان داده که از تمامیت ارضی و حاکمیت آن حمایت می‌کند. در مقابل، ایران نگران نزدیکی روزافزون آذربایجان به رژیم صهیونیستی است که می‌تواند روابط دو کشور را

مختل کند. از این رو، تهران تلاش می‌کند با بهبود روابط با ارمنستان تا حدی موازنه قوا در مقابل آذربایجان در قفقاز را حفظ کند (Roubanis, 2024).

سفریان در مقاله "شن‌های متحرک، کوه‌های تکان نخورده؟ روابط ارمنستان و ایران از زمان جنگ دوم قره‌باغ" به بررسی روابط بین جمهوری ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران در سه بعد مرتبط می‌پردازد: اول، حضور جامعه ارمنی در ایران؛ دوم، روابط اقتصادی بین دو کشور؛ و سوم، نقش تهران در دینامیک‌های سیاسی منطقه‌ای. نگارنده با تهدیدات مشترکی که از احتمال ایجاد «کریدور زنگزور» به سمت ناحیه خودمختار نخجوان می‌تواند ناشی شود، راهکارهای پیشنهادی به ایروان و تهران داده است. در این زمینه، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در ایروان که عمدتاً به سمت مسکو معطوف بود، به دلیل جنگ و پیامدهای آن دچار اختلال شده است. در مقابل، روابط با تهران ثابت مانده و به‌عنوان یکی از عوامل متعدد در بازپیکربندی ارمنستان و تغییرات جاری در ساختارهای قدرت ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی توسعه یافته است (Seferian, 2024).

سیهالیف در مقاله "سیاست ایران در قبال ارمنستان و آذربایجان: واقعیت‌های جغرافیایی سیاسی و تحلیل تطبیقی" معتقد است جنگ دوم قره‌باغ که منجر به شکست ارمنستان و پیروزی آذربایجان تحت عنوان "ضربه آهنین" شد، فقط جنگی بین دو کشور نبود، بلکه عامل تعیین‌کننده‌ای در وضعیت جدید ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. ایران در تلاش است تا روابط خود را با ارمنستان گسترش دهد و این امر را با توجه به نگرانی‌هایش درباره "اتحاد آذربایجان با مناطق شمالی ایران که به شدت توسط ترک‌ها پر شده‌اند" انجام می‌دهد. از دیدگاه ایران، ارمنستان وظیفه محافظت از غرب و شمال ایران در برابر نفوذ ترک‌ها را بر عهده دارد. از سوی دیگر، استفاده از نفوذ سیاسی جامعه ارمنی در ایالات متحده و اروپا به نفع ایران است. عوامل دیگری که به تقویت روابط ایرانی - ارمنی کمک کرده‌اند شامل افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه و روابط نزدیک آذربایجان با ترکیه است. علاوه بر این، تقویت اتحاد استراتژیک بین ترکیه و آذربایجان و همکاری و یکپارچگی در جهان ترک به‌طور کلی در این زمینه نقش دارد و ایران قطعاً وحدت ترک‌ها را تهدید حیاتی برای خود می‌بیند؛ بنابراین، این کشور به طور مداوم از ارمنستان حمایت کرده و به‌جای حمایت از آذربایجان، این رویکرد همچنان ادامه دارد (ŞİHALİYEV, 2023).

جوراجیان در مقاله "خطوط قرمز و چراغ سبز: سیاست متعادل‌کننده ایران در قفقاز جنوبی" معتقد است پس از جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، برخی از بیانیه‌های سیاسی ایران

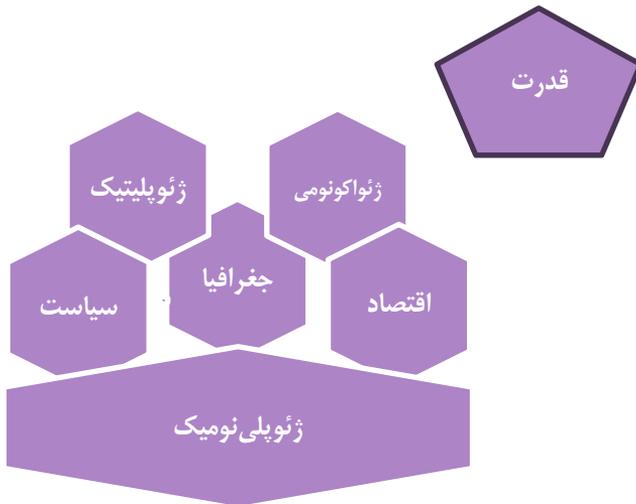
که از منافع امنیتی ارمنستان حمایت می‌کنند و "جنگ‌های لفظی" جاری بین ایران و آذربایجان، منجر به توسعه نظریه‌ای در جامعه علمی و تحلیلی بین‌المللی (از جمله ارمنستان) شده است که ایران به طور بنیادی موضع خود را نسبت به کشورهای قفقاز جنوبی تغییر داده است. این تمایل تأثیر قابل توجهی بر درک عمومی ارمنستان از ایران داشته است. به عنوان یک مثال بارز، طبق یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۳ که توسط مؤسسه جمهوری خواه بین‌المللی انجام شده، ۵۴ درصد از ارمنیان مورد پرسش، ایران را به عنوان مهم‌ترین شریک امنیتی ارمنستان می‌شناسند. این مقاله به بررسی منافع ژئواستراتژیک و امنیتی گسترده ایران در این منطقه و رویکرد توازن قدرت ایران از طریق تحلیل روابط ایران و آذربایجان با استفاده از نظریه واقع‌گرایی می‌پردازد. مقاله نشان می‌دهد که اهداف و منافع ایران در این منطقه تغییر نکرده و این کشور همچنان به سیاست توازن خود ادامه می‌دهد و در روابط با آذربایجان از ابزارهای ایجاد تهدیدات متقابل و همچنین نزدیکی استفاده می‌کند (Gevorgyan, 2023). از بین این آثار، مقاله آخر بیشترین شباهت را با این نوشتار دارد. با این تفاوت که در این نوشتار به زمینه‌های ژئوپلیتیکی ایجاد همکاری بین ایران و ارمنستان در قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود. سایر آثار روابط این دو کشور را در یک کل منسجم مانند تقابل یا تعامل دوجانبه این کشورها در قفقاز جنوبی بررسی نکرده‌اند که این هدفی است که نوشتار با استفاده از رهیافت‌های ژئوپلیتیکی دنبال می‌کند.

**چارچوب نظری.** استفاده از ژئوپلی‌نومیک به عنوان یک چارچوب مفهومی نیازمند درک هر دو جز آن یعنی ژئوپلیتیک و ژئو اکونومی است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرات جغرافیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک درباره چگونگی تأثیر مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است. از این رو ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید می‌کند. بر همین مبنا هر کشوری با توجه به تحولات محیطی با کم و کیف متفاوت، با یک سیستمی از تهدید- فرصت‌ها مواجه است. این تهدید- فرصت‌ها در دو حوزه ژئوپلیتیک، ژئو اکونومیک و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید- فرصت، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر دولت‌ها سعی در بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات دارند. از این رو نظریه دو سطح دو حوزه‌ای محی الدین مصباحی یک خوانش ویژه از ژئوپلیتیک است که یک دید سه جانبه از سیستم بین‌المللی یا

سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سه حوزه مرتبط به هم و در عین حال متمایز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ارائه می‌دهد.

از این رو تهدیدات و فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف قابلیت تسری پیدا می‌کنند و از سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به سطح داخلی سرریز می‌شوند و برعکس. همچنین تهدید-فرصت‌ها در یک حوزه قابلیت تسری به دیگر حوزه‌ها را دارند(صالحی یگانه و رئیسی نژاد، ۱۴۰۲: ۶). در این چارچوب ژئواکونومی به ترتیب به عنوان ابعاد اقتصادی ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شوند. گروس، ژئواکونومیک را ادغام اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی می‌داند. ژئواکونومی از ترکیب عناصر سه جانبه جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است. عنصر اقتصاد در ژئواکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می‌شود؛ بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تاثیر اقدامات اقتصادی سایر کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی یک کشور، ژئواکونومیک نام دارد. در ژئواکونومیک عواملی مانند انرژی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، ترانزیت، کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تجارت اهمیت دارند. اما مفهوم ژئواکونومیک نیز تنها بخشی از واقعیت‌های روابط میان کشورها را به تصویر می‌کشد و نسبت به نگرانی‌های امنیتی بی توجه است. جورج دمکو و ویلیام وودز در سال ۱۹۹۴ اصطلاح ژئوپولی‌نومی را مطرح کردند. ژئوپولی‌نومی در واقع یک رژیم غیررسمی حاکم بر روابط کشورها برای روابط اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای، هم زمان با رعایت نگرانی‌ها و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی است. این مفهوم ابزاری برای تحلیل پدیده‌هایی چون راه‌گذرهای حمل و نقلی، مسیرهای حمل و نقل انرژی و روابط تجاری میان کشورها ضمن توجه به مسائل امنیتی میان آن‌ها و رقبایشان است. بنابراین اصطلاح ژئوپولی‌نومی در درون خود مفهوم ژئوپلیتیک و ژئواکونومی را نهفته دارد و از ترکیب عوامل اقتصادی و سیاسی با مرکزیت جغرافیا شکل گرفته است. همچنین ژئوپولی‌نومی بیانگر افزایش اهمیت اقتصاد سیاسی در معادله‌های جغرافیایی است(امیری و فلاحی، ۱۴۰۱: ۸).

شکل ۱: مفاهیم تحلیلی پژوهش



منبع: یافته‌های پژوهشگران

### ۱. محورهای روابط ژئواکونومی ایران و ارمنستان

ارمنستان و ج.ا. ایران دارای روابط مستحکم دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی هستند که یکی از عوامل مهم ثبات و رفاه منطقه بوده است. البته روابط و پروژه‌های متقابلاً سودمند بین دو کشور همواره نیازمند بهبود است و یکی از این پروژه‌ها در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۲۳ اعلام شد. در یک نشست خبری در ایروان، وزیر خارجه ارمنستان و ایران از افتتاح کنسولگری جمهوری ارمنستان در تبریز خبر دادند. امکان افتتاح کنسولگری ارمنستان در تبریز یک بار دیگر نشان می‌دهد که مقامات ایرانی به دنبال سیاست خارجی و داخلی چندوجهی و بلندمدت هستند و با تأسیس کنسولگری جمهوری ارمنستان در تبریز، علاوه بر آذربایجان شرقی امکان گسترش حوزه خدمات کنسولی به سایر مناطق همجوار جمهوری ارمنستان از جمله آذربایجان غربی، اردبیل، گیلان و مازندران فراهم می‌شود که به توسعه و تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بین این مناطق کمک خواهد کرد. در حال حاضر تنها دو کنسولگری امکان ارائه خدمات کنسولی در چنین حوزه گسترده‌ای را دارند: کنسولگری‌های ترکیه و آذربایجان. لازم به یادآوری است که پس از استقرار قدرت شوروی در سال ۱۹۲۰، ارمنستان نیز کنسولگری در تبریز داشت که پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی منحل

شد، بنابراین افتتاح کنسولگری را می‌توان گامی مهم در جهت بازگشت به روابط تاریخی و سنتی بین دو ملت برادر به شمار آورد. افتتاح کنسولگری ارمنستان در تبریز باید به عنوان پاسخی متقابل به افتتاح کنسولگری ج.ا. ایران در کاپان (سیونیک، ارمنستان) (۲۰۲۲) ارزیابی شود. افتتاح کنسولگری‌های ارمنستان و ایران پیش از هر چیز مؤلفه سیاسی و امنیتی دارد و هدف آن تضمین کریدور شمال-جنوب است. کنسولگری‌های فعال در تبریز و کاپان می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به ساخت کریدور جاده‌ای شمال-جنوب کمک کنند. به ویژه در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۲۳، قراردادی جدید بین دولت ارمنستان و دو شرکت ایرانی گروه بین‌المللی آباد راهن پارس و تونل ساد آریانا به ارزش ۲۱۵ میلیون دلار امضا شد که طبق آن طرف ایرانی بخش جاده آگاراک (مرز ایران)-واردانیدزور-کاجاران را به طول ۳۲ کیلومتر (سیونیک، ارمنستان) می‌سازد. پس از اتمام، این جاده به رانندگان اجازه می‌دهد از آگاراک در مرز ایران، به سمت شمال در زمین‌های کوهستانی عبور کنند و از ۱۷ پل و دو تونل بگذرند (Melkonian, 2024: 2). فعالیت شرکت‌های ساختمانی ایرانی در این منطقه ارمنستان نه تنها اهمیت اقتصادی، بلکه امنیتی و سیاسی نیز دارد. اهمیت اقتصادی بدین گونه است که شرکت‌های ساختمانی ایرانی می‌توانند نیروی کار، تجهیزات، ابزار و مصالح ساختمانی را از تبریز و سایر مناطق مرزی در ساخت این بخش جاده‌ای به کار گیرند و این باعث تحرک اقتصادی در این منطقه خواهد شد و دلیل اهمیت سیاسی و امنیتی از این قرار است که طبق طرح ترکیه-آذربایجان، قرار بود آگاراک (مگری) را به عنوان "کریدور" معرفی کنند.

روشن است که افتتاح کنسولگری عمومی جمهوری ارمنستان در تبریز می‌تواند محرک جدیدی برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی بین دو کشور باشد. باید توجه داشت که تجارت بین ارمنستان و ایران در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است که جذابیت این توسعه در اعداد بیشتر مشهود است. آرمن گریگوریان دبیر شورای امنیت ارمنستان در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۲۳ از تلویزیون عمومی ارمنستان پخش شد گفت که "تجارت بین ارمنستان و ایران در حال رونق است. جایی که کشورهای مذکور در سال ۲۰۲۳ به ارزش ۶۹۰ میلیون دلار کالا تجارت کردند و پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال آینده به ۱ میلیارد دلار افزایش یابد" (Shahverdyan, and Horan, 2023). به ویژه، در سال ۲۰۲۳، حدود ۵۹۸ میلیون دلار کالا از ایران به ارمنستان وارد شده که سه برابر بیشتر از سال ۲۰۱۷ و ۲۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ است. عمده کالاهای صادراتی

ایران به ارمنستان شامل گاز طبیعی، مصالح ساختمانی، آهن آلات، محصولات لبنی، میوه‌های خشک و تازه، گوجه‌فرنگی و غیره است. صادرات ارمنستان به ایران در سال ۲۰۲۳ به ۹۵ میلیون دلار رسید که ۳۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ بود (جدول ۱). عمده کالاهای صادراتی ارمنستان به ایران شامل برق، ضایعات فلزی، سیگار، گوشت گاو و بره است (Mfa.Am, 2024). این بدان معناست که نرخ رشد صادرات کالاهای ایرانی بیشتر از صادرات ارمنستان است. بدون شک، صادرات کالاهای ایرانی به طور قابل توجهی با توافق موقت تجارت آزاد بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۱</sup> که ارمنستان نیز عضو آن است و جمهوری اسلامی ایران تسهیل شده است. به موجب این توافق، ۳۰۶ کالای ایرانی می‌تواند بدون عوارض گمرکی به ارمنستان، روسیه، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان صادر شود.

ارمنستان تنها کشور عضو اوراسیا است که مرز زمینی مستقیم با ایران دارد و بر اساس پیش‌بینی‌های کمیسیون اقتصادی اوراسیا، گردش تجاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران در کوتاه‌مدت سه برابر افزایش خواهد یافت. چنین چشم‌اندازی به ارمنستان کمک می‌کند تا با تمرکز بر مسیرهای عمودی به جای افقی، توانایی ترانزیتی خود را ارتقا بخشد و همچنین فرصت‌های اقتصادی جدید ایجاد کند. سازماندهی تولید کالاهای و خدماتی ارمنستان در قلمرو خود هم برای کشورهای عضو اوراسیا، هم برای ایران که توافقنامه تجارت آزاد مذکور را با اتحادیه اقتصادی اوراسیا امضا کرده است و همچنین برای هند که در حال مذاکره برای توافق مشابه می‌باشد، می‌تواند الگوی خوبی باشد. شایان ذکر است که ارمنستان همچنین توافق‌های تجارت آزاد با اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و چندین کشور دیگر دارد به این معنا که کالاهای فرآوری شده در ارمنستان می‌توانند به کشورهای که واردات کالاهای ایرانی را بسته یا محدود کرده‌اند، صادر شوند. همچنین کنسولگری ارمنستان در تبریز می‌تواند به بازدیدهای گردشگران ایرانی و ارمنی خدمات ارائه دهد و اطلاعات و سایر خدمات کنسولی را فراهم کند. هر سال بیش از ۲۰۰,۰۰۰ ایرانی تعطیلات خود را در ارمنستان سپری می‌کنند، در حالی که ایران به ویژه تبریز با توجه به تاریخ و میراث غنی ارمنی - ایرانی می‌تواند یکی از مقاصد مورد علاقه گردشگران ارمنی باشد. این امر می‌تواند محرک جدیدی برای توسعه زیرساخت‌های گردشگری بین دو کشور باشد. به موازات برنامه‌های فعال و مؤثری که توسط ارمنستان ایرانی در حال اجراست، باید اکنون گام‌هایی در جهت توسعه روابط آموزشی و فرهنگی بین ارمنستان و ایران برداشته شود. به

<sup>۱</sup>. EAEU

ویژه، کنسولگری‌ها باید افرادی از جمله نخبگان، معلمان، استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان را گرد هم آورند، بازدیدهای متقابل را سازماندهی و برنامه‌های مشترکی را اجرا کنند که امکان ارتباط عملی را فراهم کند.

جدول ۱: حجم تجارت میان ارمنستان و ایران (میلیون دلار)

سال	حجم تجارت	صادرات	واردات (بر اساس کشور مبدأ)	واردات (بر اساس کشور صادرکننده)
۲۰۱۹	۴۰۹	۸۳.۹	۳۲۵	۳۲۵
۲۰۲۰	۴۰۱	۸۴	۳۱۷	۳۱۸
۲۰۲۱	۵۰۴	۶۵	۴۳۹	۳۲۵
۲۰۲۲	۷۱۰	۱۱۱	۵۹۹	۶۰۱
۲۰۲۳	۶۹۳	۹۵	۵۹۸	۶۱۲

Source: Mfa.Am, 2024

از دیگر حوزه‌های همکاری در قفقاز جنوبی تبادل سوخت‌های فسیلی و الکتریسیته است که همواره در دیدارها مطرح شده است به طوری که توافق راهبردی تهران و ایروان در سال ۲۰۰۴ برای صادرات گاز به نیروگاه‌های ارمنستان به مدت ۲۰ سال و دریافت برق در مقابل آن می‌باشد. صادرات گاز ایران به ارمنستان به طور رسمی از سال ۲۰۰۹ آغاز شد، البته مبادله تهاتری گاز و برق همواره موضوع گفت‌وگوی دو کشور بوده است که نمونه آن به دیدار وزیران انرژی در دسامبر ۲۰۲۰ برمی‌گردد. همچنین در آوریل ۲۰۱۶ ایران، ارمنستان، روسیه و گرجستان یادداشت تفاهمی برای گسترش همکاری‌ها در زمینه انرژی امضا کردند که این یادداشت تفاهم می‌تواند تکمیل‌کننده قراردادی باشد که در اوت ۲۰۱۵ میان تهران و ایروان برای ساخت سومین خط برق ولتاژ بالا امضا شد که این طرح قابلیت پیوند ایران به شبکه برق گرجستان و روسیه را دارد. پیش از امضای تفاهم‌نامه چهارجانبه وزیران انرژی ایران و روسیه در مارس ۲۰۱۶، به طور دوجانبه در مورد اتصال شبکه برق ایران و روسیه از راه قفقاز گفت‌وگوهای میان تهران و مسکو شگل گرفت. از دیگر توافقی‌های دو طرف، قرارداد ساخت سد برق‌آبی بر روی رود ارس در سال ۲۰۰۷ است که مراسم کلنگ‌زنی این طرح در دسامبر ۲۰۱۲ در دوران احمدی نژاد انجام شد، اما به دلیل تأمین نشدن اعتبار اجرای آن، در دوره بعد متوقف شد.

همچنین از راه خط لوله‌ای که در سال ۲۰۰۸ میان دو کشور ایجاد شد؛ ایران سالانه، حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز به ارمنستان صادر کرده است. در حالی که روسیه به عنوان رقیب ایران ۲ میلیارد مکعب گاز با قیمت ارزان‌تر به ارمنستان صادر می‌کند (امیری و فلاحی، ۱۴۰۱: ۹). همچنین در یک توافق متقابل سودآور، دو کشور دوباره در ماه اوت ۲۰۲۳ توافق کردند که ارمنستان به ایران برق می‌دهد و در عوض گاز دریافت کند. البته این توافق از سال ۲۰۰۹ برقرار بوده و قرار بود تا سال ۲۰۲۶ به پایان برسد، اما اکنون به نظر می‌رسد که تا سال ۲۰۳۰ به شکل بهبود یافته‌ای ادامه خواهد یافت. در همین راستا مهدی سبحانی وزیر ج.ا. ایران در ارمنستان معتقد است که: "به لطف این توافق، ما قادر خواهیم بود واردات برق از ارمنستان به ایران را در ازای گاز افزایش دهیم و آن را سه یا حتی چهار برابر کنیم". خط لوله گاز ایران-ارمنستان که می‌تواند ابزاری برای کاهش وابستگی ارمنستان به گاز مسکو باشد، از سال ۲۰۱۵ متعلق به غول گاز روسیه، گازپروم است و روسیه سابقه‌ای در محدود کردن پتانسیل این مسیر دارد و حتی در زمان طراحی خط لوله، مسکو موفق شد که قطر آن به ۷۰۰ میلی‌متر محدود کند - کمتر از ۱,۴۲۰ میلی‌متر که در ابتدا در نظر گرفته شده بود - به‌عنوان راهی برای اطمینان از اینکه هیچ حجم اضافی از گاز ایران به کشورهای سوم فروخته نشود. این تغییر فنی حجم خط لوله را به ۲.۳ میلیارد متر مکعب در سال محدود کرد و در نهایت گازپروم تمام زیرساخت‌های توزیع گاز ارمنستان را به‌طور کامل خرید. با این وجود سیاست ژئواکونومی ایران در راستای سیاست تنوع بخشی ارمنستان در زمینه انرژی نیز حائز اهمیت است و علی‌رغم اینکه بخش اصلی گاز ارمنستان از روسیه با قیمت کاهش یافته ۱۶۵ دلار برای هر ۱۰۰۰ مترمکعب تامین می‌شود، با این حال، اهمیت تنوع بخشی برای تولید کننده (تهران) و مصرف کننده (ایروان) جذابیت خاص خودش را پیدا کرده است (Shahverdyan and Horan, 2023: 3).

طی سال‌های گذشته تامین گاز روسیه از طریق خاک گرجستان به دلیل شرایط مختلف همانند تعمیرات به‌طور موقت متوقف شده است و در عین حال طبق ارزیابی‌های مختلف ایروان توانایی تامین سالانه حدود یک میلیارد مترمکعب گاز از ایران را دارد که نصف میزان مصرف سالانه ارمنستان است. علاوه بر این، واردات گاز از ایران، توسعه تولید برق در ارمنستان را ترویج خواهد کرد زیرا تامین گاز همچنان بر اساس فرمول «گاز در مقابل برق» اهمیت مهمی برای ارمنستان دارد. همچنین برای ارمنستان اهمیت ایران به توانایی ترانزیتی آن در زمینه دستیابی به انرژی محدود نمی‌شود؛ تهران نقش کلیدی در مسیرهای حمل و

نقل و لجستیکی اقتصادی ایروان دارد. ارمنستان بخش مهمی در طرح‌های «کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب» و «خلیج فارس-دریای سیاه» محسوب می‌شود و از آنجایی که با راه‌اندازی این طرح‌ها ایروان به بازار هند و همچنین کشورهای خلیج فارس، وصل خواهد شد و از این طریق نقش این کشورها در چارچوب اجرای تنوع بخشی به سیاست خارجی ارمنستان نیز افزایش بیشتری خواهد یافت، لذا راه‌اندازی این طرح‌های از نقطه نظر منافع ارمنستان نیز حائز اهمیت هستند. یکی از مولفه‌های مهم این روند، ایجاد ترمینال اختصاصی یا مشترک با هند در بندر چابهار ایران است. امری که دسترسی ارمنستان به بازارهای عربی، آسیایی و هندی را آسان تر خواهد کرد و در کوتاه مدت به مرکز مهمی برای ارمنستان تبدیل خواهد شد.

## ۲. جنگ دوم قره‌باغ و روابط ایران با ارمنستان

با بروز نشانه‌های فروپاشی شوروی از ۱۹۸۸ و تشکیل جمهوری‌های مستقل از ۱۹۸۹ ارمنه با ادعای تعلق تاریخی منطقه قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان و در تلاش برای جدایی یا استقلال از آذربایجان، از فرصت استفاده نموده و ضمن تهاجمی گسترده، ۲۵ درصد از خاک جمهوری آذربایجان شامل منطقه قره‌باغ کوهستانی و هفت شهرستان مسلمان نشین مجاور آن را تا سال ۱۹۹۴ اشغال نمودند. ارمنی‌ها قره‌باغ را بخشی از قلمرو تاریخی خود می‌دانند که در آن حق تعیین سرنوشت آن‌ها باید حفظ شود و ارمنی‌ها می‌ترسند که از دست دادن قره‌باغ می‌تواند توازن قومی را به نفع آذربایجان تغییر دهد و ممکن است منجر به حاشیه راندن جمعیتی ارمنستان در منطقه شود. از سوی دیگر برای آذربایجان، امنیت منطقه تنها با تاکید مجدد و حفظ اصول احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها قابل تضمین است. آذربایجانی‌ها می‌ترسند که جدایی قره‌باغ آغازی برای تجزیه آذربایجان باشد. علاوه بر این، برای آذربایجان درگیری بین قره‌باغ تنها مسئله نیست، بلکه بین ادعای ارضی ادعایی آذربایجان و ارمنستان است. چه اینکه ادعاهای ارضی ارمنه در قره‌باغ را می‌توان در چارچوب پروژه ارمنی بزرگ با هدف تسلط بر سرزمین‌های باستانی ارمنستان در راستای رویکرد ژئوپلیتیک روسیه تفسیر کرد. طرح تشکیل ارمنستان بزرگ در خاک کنونی ارمنستان و برخی مناطق گرجستان، آذربایجان، ایران و ترکیه توسط دانشک‌ها ارائه شد و پس از حضور روسیه در منطقه، اولویت اصلی فعالان ارمنی بوده است.

به نظر می‌رسد که اختلافات مرزی گرجستان و ارمنستان، روابط خصمانه ارمنستان با ترکیه و پروژه الحاق قره‌باغ به ارمنستان و اشغال سایر نقاط آذربایجان، همگی برای تحقق پروژه ارمنستان بزرگ انجام شده است. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک ارمنستان در طول تاریخ در بستر نوعی روان‌شناسی تحقیر ملی - سرزمینی در مقابل سرزمین‌های پیرامونی شکل می‌گیرد و در نتیجه تلاش می‌کند تا آرمان‌های هویت سرزمینی را تحقق بخشد. در این راستا، نوعی ادبیات حماسی و مقاومتی بین ارمنی‌ها با قدرت شکل گرفته است؛ "ای پسر، اینجا کوه آرات است، بخشی از خاک تو که در اشغال ترک‌هاست. قلمرو شما بیش از حد وسیع است که قابل تصور نیست. اگر به قدرت رسیدی باید آزادش کنی". از سوی دیگر جایگاه چنین ادبیات حماسی در آذربایجان با ارمنستان یکی است. نمونه‌ای از یک اثر ادبی حماسی است که به مفهوم "من هرگز قره‌باغ را فراموش نمی‌کنم" با زمین‌های یکسان - سرزمینی اشاره دارد که قلب هر شنونده حتی غیرترک را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بهمنی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹-۱۰). حتی باکو مبتنی بر اسناد گذشته مدعی است که ارمنی‌ها با بند پانزدهم عهدنامه ترکمنچای توسط روس‌ها مجبور به نقل مکان به این منطقه شدند که بعدها به مناقشه قره‌باغ منجر شد. نیکولای شاوروف که در آن دوره سفیر روسیه در ایران بود، اطلاعات بسیار ارزشمندی در مورد این موضوع ارائه می‌دهد: «ما استعمار را با قرار دادن دیگران و نه روس‌ها در منطقه قفقاز جنوبی آغاز کردیم و پس از جنگ‌های ۱۸۲۶-۱۸۲۸ ما بیش از ۴۰۰۰۰ ارمنی ایرانی و ۸۴۰۰۰ ارمنی ترک را در سرزمین‌هایی قرار دادیم که بهترین شرایط عمومی را داشتند» (ŞİHALİYEYEV, 2023: 3). ادبیات موجود و اسناد کشف شده حاوی چنان احساسات ارضی است که آذربایجانی‌ها را وادار کرد تا قره‌باغ را "سرزمین موعود" بدانند و دستیابی به ریشه‌های تاریخی خود را فقط از طریق جنگ خواهان باشند. جستجو در ریشه‌های تاریخی و بازیابی قدرت ملی سرانجام باعث شد تا در سال ۲۰۲۰، آذربایجان با تکیه بر توان نظامی، اقتصادی و سیاسی خود و با بهره‌گیری از کمک‌های ترکیه و احتمالاً چراغ سبز روسیه، در جنگی ۴۴ روزه اکثر مناطق اشغال شده خود به استثنای منطقه قره‌باغ کوهستانی و شهر خانکنیدی، مرکز جمهوری خودخوانده قره‌باغ کوهستانی را آزاد نمود. پس از آن، در توافقی ۹ ماده‌ای که از طرف روسای جمهور روسیه و آذربایجان و نخست وزیر ارمنستان امضا گردید، آتش‌بسی شکننده میان طرفین برقرار شد. وضعیت منطقه قره‌باغ و آرامنه ساکن در آن و دالان لاپچین که قره‌باغ را به ارمنستان متصل می‌نماید، مساله مسیر ارتباطی میان آذربایجان و نخجوان (زنگزور) که در توافق ۹ ماده‌ای

۲۰۲۰ به آن اشاره گردیده و مساله تحدید حدود و شناسایی تمامیت ارضی از جانب طرفین منازعه و در نهایت تفسیر مواد توافق ۲۰۲۰ مسائل مهمی هستند که حل و فصل آن‌ها و رسیدن به صلح نهایی را پیچیده کرده است. طبق بند ۹ این توافق، ارمنستان متعهد شده است که ساخت یک گذرگاه را در قلمرو خود که جمهوری آذربایجان را به نخجوان در امتداد مرز کنونی ارمنستان-ایران متصل می‌کند، اجازه دهد. جمهوری آذربایجان این گذرگاه را "کریدور زنگزور" می‌نامد که بخشی از یک پروژه ترانزیتی بزرگ‌تر به نام "کریدور میانی" می‌باشد که از شرق به غرب کشیده شده و از ترکمنستان، دریای خزر، آذربایجان، نخجوان و ترکیه عبور می‌کند تا به اروپا برسد. یکی از جنبه‌های مهم کریدور زنگزور، اتصال کشورهای ترک‌زبان جغرافیایی پراکنده از طریق اجرای کریدور میانه است. به نظر می‌رسد مقامات آذربایجان و ترکیه در تلاشند تا از طریق این پروژه، "اتحاد دنیای ترک" را پیش ببرند. بحث‌های فزاینده درباره اتحاد کشورهای ترک با بیانیه‌هایی درباره اتحاد همه مردم آذربایجانی همراه بوده است. به‌عنوان مثال، در نشست سران سازمان کشورهای ترک در سمرقند در سال ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف، بر تقویت روابط بین "آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی" تأکید کرد و به طور ضمنی از "ایده آذربایجان واحد" دفاع کرد. در دفاع از این ایده و تغییر مرزها، رئیس‌جمهور اردوغان در سفر خود به باکو در دسامبر ۲۰۲۰ شعری را خواند که در آن چگونه رود ارس در مرز ایران و آذربایجان، سخن‌گویان آذربایجانی دو کشور را از هم جدا کرده است. (Mammadli, 2023: 3).

موضوع تغییر مرزها، مسدود کردن مرز زمینی بین ایران و ارمنستان و طرح تبادل اراضی بین ارمنستان و آذربایجان بی‌سابقه نیست. پل گوبل در سال ۱۹۹۲ این ایده را برای نخستین بار مطرح کرد و سپس ترکیه در همان سال مفهوم "کریدور دوگانه" را پیشنهاد داد. چند سال بعد مقامات آذربایجانی و ارمنستانی در چارچوب مشابهی به مذاکره درباره طرح "تبادل اراضی" پرداختند که به دلیل مخالفت‌های داخلی در هر دو کشور به نتیجه نرسید. طبق این طرح آذربایجان حاکمیت ارمنستان بر قره‌باغ کوهستانی را به رسمیت می‌شناخت و در عوض ارمنستان حاکمیت بخشی از استان سیونیک که به ایران محدود می‌شود را به آذربایجان واگذار می‌کرد تا کریدوری ایجاد شود که به معنای قطع مرز زمینی ایران با ارمنستان بود (Bakir, 2022: 3). ارزیابی اقدامات ج.ا. ایران نسبت به برنامه ساخت کریدور زنگزور نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین نگرانی یا احساس تهدید ناشی از احتمال تغییر مرزهای ملی، به‌ویژه احتمال قطع مرز زمینی بین ایران و ارمنستان است. ریشه این نگرانی به تفسیر

متن توافق آتش‌بس و برنامه‌های اعلام شده مقامات آذربایجانی برای ساخت این کریدور برمی‌گردد. با توجه به اینکه آذربایجان کنترل کریدور لاجین را به ارمنستان واگذار می‌کند، ارمنستان نیز باید کنترل کریدور زنگزور را به آذربایجان واگذار کند (که ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی را به هم متصل می‌کند) و رژیم حاکم باید یکسان باشد. این به معنای واگذاری حاکمیت ارمنستان بر کریدور زنگزور به آذربایجان خواهد بود - ادعایی که اگر به اجرا درآید، مرز زمینی بین ایران و ارمنستان را قطع خواهد کرد. همچنین ساخت کریدور زنگزور می‌تواند نفوذ آذربایجان و ترکیه را بر مرز شمالی ایران افزایش دهد و به تبع آن، احساسات جدایی‌طلبانه را در میان آذربایجانی‌های ایرانی تجدید کند. این تحولات نشان‌دهنده تلاش‌های ترکیه و آذربایجان برای تقویت روابط خود و ایجاد یک کریدور ترانزیتی است که می‌تواند به تضعیف موقعیت ایران در منطقه منجر شود.

همچنین فعال‌سازی کریدور میانه که نیازمند ساخت بخش زنگزور است، می‌تواند مزیت رقابتی ترانزیت بین‌المللی از طریق ایران را به شدت کاهش دهد. زیرا کریدور میانه کوتاه‌تر است و کشورهای غربی نیز از آن حمایت می‌کنند. حتی در مورد عضویت ترکیه در ناتو، برخی تحلیلگران و نخبگان سیاسی کریدور میانه را به‌عنوان یک طرح غربی برای گسترش ناتو به سمت شرق و در نهایت آسیب به منافع ایران، چین و روسیه تفسیر می‌کنند. به طوری که کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران، این پروژه را به عنوان "کریدور تورانی ناتو" توصیف کرده است که توسط ترکیه و رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود تا حضور ناتو را در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی گسترش دهد (Castillo, 2024: 2). در پاسخ به این پیشنهاد، ایران پیامی هشدارآمیز درباره پیامدهای ژئوپلیتیکی چنین تغییراتی در مرزها ارسال کرد و با برگزاری مانورهای نظامی در سواحل رود ارس در امتداد مرز خود با آذربایجان، نگرانی‌های خود را ابراز کرد. آذربایجان نیز مانوری نظامی با مشارکت پاکستان و ترکیه برگزار کرد و ارمنستان اعلام کرد که اجازه تغییر مرزها را نخواهد داد.

از زمان جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، آذربایجان توانسته است قدرت سخت خود را در منطقه به شیوه‌ای به نمایش بگذارد که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیده نشده بود. این نمایش قدرت باعث توافق صادرات گاز از ژوئن ۲۰۲۲ با اتحادیه اروپا شد که هدف آن دو برابر کردن صادرات آذربایجان به اتحادیه اروپا و کسب درآمد بیشتر برای صادرات انرژی بود و این توافقات نتیجه‌ای جز نابودی نهایی جمهوری غیررسمی آرتساخ (منطقه

قره‌باغ کوهستانی تحت کنترل ارمنستان (در سال ۲۰۲۳ نبود. این اقدام با محکومیت‌های بین‌المللی همراه بود که بیشتر بر مسائل انسانی متمرکز بود. با این حال، از آنجا که بیشتر جهان قره‌باغ کوهستانی را به عنوان سرزمین آذربایجان به رسمیت می‌شناسند، صداهای مخالف به شدت کم‌رنگ بودند. این پیروزی‌ها، همراه با خروج نسبی روسیه از قفقاز به دلیل جنگ در اوکراین، منجر به افزایش جسارت آذربایجان شده است، به طوری که رسانه‌های دولتی باکو به "آذربایجان جنوبی" به صورت ارضی اشاره می‌کنند (Yeo and Souleimanov, 2023) و این موضوع با ادعاهایی علیه ارمنستان نیز همراه بوده که از منطقه سیونیک تا خود ایروان را شامل می‌شود. تبدیل "آذربایجان جنوبی" به یک موضوع بحث حتی قبل از حمله نهایی به قره‌باغ نشان می‌دهد که رژیم علی‌اف به نظر می‌رسد هدفی فراتر از هژمونی منطقه‌ای در قفقاز دارد و می‌خواهد به عنوان یک قدرت کامل در منطقه وسیع‌تر شناخته شود. همکاری با ترکیه و رژیم صهیونیستی می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند، زیرا هر دو کشور تمایل دارند تا با ایران مقابله کنند و آذربایجان می‌تواند به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای هر دو عمل کند. این همکاری‌ها که با ثبات خود به دلیل موقعیت‌های پایدار رؤسای جمهور رجب طیب اردوغان در آنکارا، بنیامین نتانیاهو در تل آویو/اورشلیم و علی‌اف در باکو تقویت می‌شود، ممکن است عزم آذربایجان را بیشتر تقویت کند. علاوه بر این، علی‌رغم برخی مخالفت‌ها در داخل اتحادیه اروپا پس از حمله نهایی به قره‌باغ در سال ۲۰۲۳، آرزوهای انرژی آذربایجان همراه با این همکاری‌های حیاتی و موضع متعادل روسیه، نشان دهنده تمایل آذربایجان برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای وسیع‌تر است (Seferian, 2024: 13).

کشور ارمنستان که در طول دهه ۱۹۹۰ حاکمیت ملی و سرزمینی‌اش از طرف جمهوری آذربایجان و همچنین ترکیه در خطر بود تلاش کرد که با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران موازنه‌ای در رقابت با جمهوری آذربایجان ایجاد کند، ارمنستان محصور در خشکی به حمایت ایران نیاز دارد تا بتواند راهش را به روی بقیه جهان باز کند، این یک واقعیت غیرقابل انکار است که ارمنستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود با محدودیت‌ها و چالش‌های سختی مواجه است؛ روبن یگوریان، وزیر سابق کابینه ارمنستان، در مورد چشم انداز بیشتر همکاری ایران و ارمنستان اظهار نظر کرد: "ایران آینده ما است. اولویت اصلی ما استفاده از مسیرهای زمینی و دریایی مرتبط با ایران است. این امر به ما راه خروجی و دسترسی به بازارها و بنادر دریایی ایران در خلیج بصره (فارس) را می‌دهد". این رویکرد همچنین با اظهارات سرژ سرکیسیان، رئیس جمهور سابق که بر اهمیت ایران برای ارمنستان تاکید کرد، شباهت دارد:

" ایران کشور بسیار مهمی برای ارمنستان است و به این دلیل نیست که ما قرن‌ها با هم همسایه بوده‌ایم، دلایل دیگری نیز برای این امر وجود دارد. در واقع ایران یکی از این دو کشور مهم برای ارتباط گرفتن ما با جهان خارج است و مشکلات پیش روی ایران به معنای باریک شدن تدریجی لوله تنفسی ارمنستان می‌باشد" (Neset, 2023: 14).

همچنین بر اساس موضع تهران، امنیت ارمنستان و مرز مستقیم ارمنستان و ایران شرط مهم توسعه این کشور است. در غیر این صورت اگر ترکیه و آذربایجان کریدور را از طریق سیونیک باز کنند، کل مرز شمالی ایران تحت کنترل ترکیه یا در حوزه نفوذ آن قرار خواهد گرفت. به همین دلیل تهران سیونیک را یک منطقه آسیب‌پذیر می‌داند و علاقه‌مند به تقویت آن است. افتتاح کنسولگری در کاپان، اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری در این منطقه و ساخت‌وساز قطعه آگارک - کجاران کریدور شمال - جنوب که بر عهده شرکت‌های ایرانی است، در چارچوب همین سیاست ایران قرار می‌گیرد. هدف این اقدامات اول از همه حفظ ثبات در بخش شمالی مرز ایران است؛ بنابراین واقع‌گرایی به جمهوری اسلامی دلیل کافی برای پرورش روابط خوب با ارمنستان می‌دهد. نزدیک‌ترین متحد آذربایجان ترکیه است که ایران آن را رقیب می‌داند. مخالفت تهران با راهرو ترانزیتی آذربایجان از طریق ارمنستان احتمالاً تا حدی تحت تأثیر تمایل به نگه‌داشتن نفوذ ترکیه در حداقل بوده است. باکو همچنین روابط سازنده‌ای با رژیم صهیونیستی، رقیب منطقه‌ای تهران دارد. رژیم صهیونیستی به آذربایجان تسلیحات می‌دهد در حالی که آذربایجان منبع ۴۰ درصد انرژی این آن است. شایعات زیادی درباره حضور نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در آذربایجان برای جاسوسی از ایران وجود دارد که مقامات اطلاعاتی آمریکا به آن اشاره می‌کنند. برخی معتقدند که در جنگ ۱۲ روزه بین ایران و رژیم صهیونیستی، آذربایجان برخی از پایگاه‌های عملیاتی خود را در اختیار نیروهای رژیم صهیونیستی قرار داد. به این ترتیب روابط مستقیم تهران با باکو دستخوش فراز و نشیب شد. بر همین اساس، برای تهران، ارمنستان یک تعادل مفید در برابر نفوذ ترکیه، آذربایجان و رژیم صهیونیستی است حتی در ژانویه ۲۰۲۳، سفیر ایران در ارمنستان اعلام کرد: "امنیت ارمنستان امنیت ایران است" (Castillo 2024: 4).

مسیرهای تجاری یکی از دلایل مهم توجه نزدیک ایران به امنیت در قفقاز جنوبی به‌ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ است. همان‌طور که در پژوهش‌های متکثر حوزه قفقاز جنوبی بیان شده است، چشم‌انداز "کریدور زنگزور" که آذربایجان را از طریق قلمرو

ارمنستان به نخجوان متصل می‌کند، در تهران و ایروان به‌عنوان یک تهدید در نظر گرفته می‌شود. هر گونه ترتیبات لجستیکی که ممکن است جریان کالاها در مرز ارمنستان و ایران را مختل کند، از سوی هیچ‌یک از دولت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. برای ارمنستان، اعطای حقوق فراسرزمینی به آذربایجان به‌عنوان تضعیف بیشتر حاکمیت پس از جنگ تلقی می‌شود که شامل نفوذ نیروهای آذربایجانی و اشغال مداوم برخی از سرزمین‌های ارمنی است. از سال ۲۰۲۰، چشم‌اندازهای درگیری بیشتر به‌طور برجسته‌ای در گفتمان ارمنی به‌ویژه با هدف اشغال و تصرف آذربایجان در قبال تمام یا بخشی از استان سیونیک در ارمنستان جنوبی مطرح شده است. ج.ا. ایران نیز علی‌رغم به رسمیت شناختن حاکمیت آذربایجان بر قره‌باغ، با این حال، بر این نکته تأکید می‌کند که تمام مرزهای بین‌المللی در منطقه باید ثابت باقی بمانند. در سال‌های اخیر، ایران چندین بار تمرینات نظامی در مناطق مرزی با آذربایجان برگزار کرده است. به‌طور قابل‌توجهی، ایران در اکتبر ۲۰۲۲ یک کنسولگری در کاپان، مرکز استان سیونیک، افتتاح کرد و ایروان نیز در سال ۲۰۲۳ کنسولگری در تبریز افتتاح کرد.

به‌طور کلی، ارمنستان "توسعه روابط ویژه با ایران" را در برنامه دولتی خود برای سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۶ گنجانده است. بازدیدهای رسمی در سطوح بالا - رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه - در چند سال اخیر افزایش چشمگیری داشته است. دو تحول اخیر نشان‌دهنده درگیری گسترده‌تر ایران با قفقاز جنوبی و آمادگی ارمنستان برای ایجاد روابط با بازیگری است که تاکنون کم‌فعال‌ترین بازیگر منطقه‌ای بوده است. اولاً، در مارس ۲۰۲۲ تهران موافقت کرد که زیرساخت‌هایی را از طریق قلمرو خود برای ارتباطات جاده‌ای، ریلی و انرژی بین بخش‌های غربی آذربایجان و نخجوان توسعه دهد. رهبری ترکیه نیز در سپتامبر ۲۰۲۳ ایده کریدور زنگزور جایگزین را از طریق ایران و با دور زدن قلمرو ارمنستان مطرح کرد. ثانیاً، در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۳، ایران میزبان نشست وزرای خارجه در قالب فرمت "۳+۳" بود (Potapkins, 2024: 2). این فرمت که در سال ۲۰۲۱ برای اولین بار پیشنهاد شد، قصد دارد سه کشور قفقاز جنوبی و روسیه، ترکیه و ایران را در یک پلتفرم واحد گرد هم آورد که تا حدی به‌عنوان جایگزینی برای درگیری بازیگران غربی در منطقه مطرح شده است. توافق صلح بین ارمنستان و آذربایجان مهم‌ترین دستور کار این نشست بود. با این حال، منافع ایران و ارمنستان در مورد حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی، از جمله در موضوع میانجی‌گری با آذربایجان، متفاوت است. وزیر سابق امور خارجه ایران، شهید حسین

امیرعبداللہیان، به وضوح در این مورد بیان کرد: "حضور خارجی‌ها در منطقه نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند؛ بلکه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند." ارمنستان به طور فزاینده‌ای به میانجی‌گری ایالات متحده و اتحادیه اروپا تمایل دارد، اما تهران می‌خواهد که مسائل تنها توسط بازیگران منطقه‌ای حل شود (Special Eurasia, 2023).

نقش تهران در تضمین امنیت ارمنستان ممکن است محدود به این اقدامات فوق نباشد. از زمینه‌های دیگر همکاری در حوزه نظامی - فنی است. تسلیحات مدرن ایرانی در درگیری‌های مختلف در غرب آسیا آزمایش شده و اخیراً برخی از آن‌ها حتی در اوکراین مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر سطح کفایت که نیازهای ارمنستان را برآورده می‌کند، ایران دارای مزیت دیگر نیز است. اولاً، محصولات سیستم صنعت نظامی ایران نسبتاً ارزان‌تر هستند. این نه تنها یک مزیت از لحاظ رقابتی است، بلکه عامل مهمی در گسترش سریع پتانسیل نظامی ارمنستان نیز است. ثانیاً، نزدیک بودن دو کشور از لحاظ جغرافیایی این امکان را فراهم می‌کند که غیر از تحویل با سرعت سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، در صورت نیاز کارهای تعمیراتی، سازماندهی لازم هم در اسرع وقت انجام شود. ثالثاً فهرست محصولات مجتمع صنعت نظامی ایران بسیار وسیع است - از توپخانه و پهپاد گرفته تا جنگ الکترونیک و سامانه‌های پدافند هوایی. بدین ترتیب تمامی پیش‌شرط‌های لازم برای گسترش همکاری‌ها با ایران فراهم شده است و همخوانی منافع دو کشور اصلی‌ترین آن است. باتوجه به اینکه یکی از اصول تنوع‌بخشی، گسترش جهت‌گیری‌های سیاست خارجی است، در این راستا تهران یکی از مناسب‌ترین شرکا است (HeiranNia and Monshipouri, 2023: 130-131).

در عین حال، مقامات ایروان باید به این درک برسند که ج.ا. ایران را تنها یک مسیر ترانزیتی تلقی نکنند؛ زیرا تهران نقش اساسی در بازگرداندن توازن نیروها در قفقاز جنوبی ایفا می‌کند و این ایفا نقش ایران بعد تحولات ۲۰۲۰، منافع ارمنستان را برآورده می‌کند. ممکن است ارمنستان نگرانی تهدید تحریم‌های غرب به دلیل همکاری نزدیک با ایران را داشته باشد. اما به احتمال زیاد ارزیابی این نگرانی‌ها بیش از حد برآورد می‌شود. اول، همکاری‌های تجاری و اقتصادی روبه‌رشد بین ایروان و تهران امروز و همچنین گفتگوها در مورد همکاری‌های دفاعی در سال‌های گذشته برای بروکسل و واشنگتن مشکل‌ساز نبوده است. ثانیاً ایران تجربه برگزاری رزمایش نظامی با آذربایجان را دارد و هیچ تحریم علیه این کشور ایجاد نشده است. ثالثاً، همکاری با هدف جایگزینی شرکای موجود در حوزه اقتصادی و امنیتی که بخواهد موجب خشم روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و هند شود، ایروان دنبال

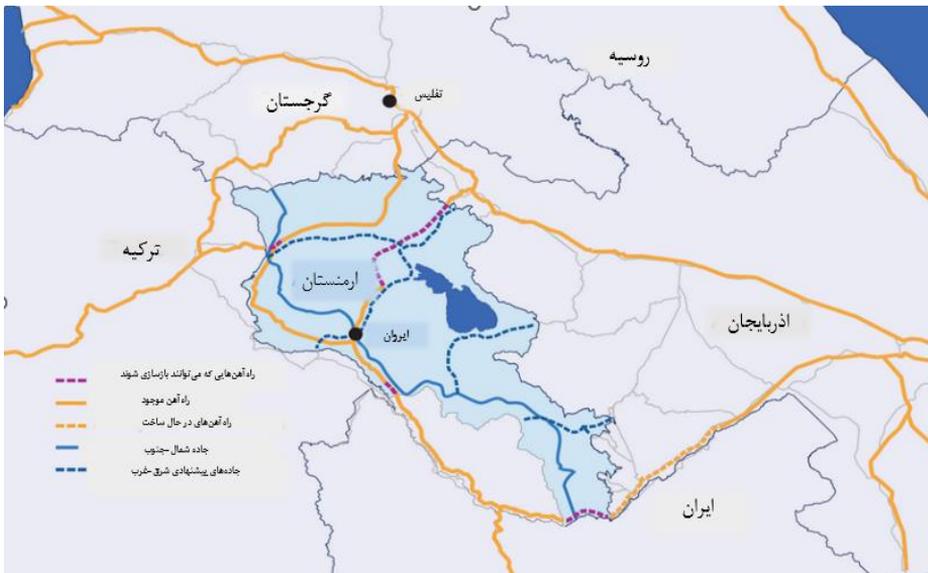
نمی‌کند؛ بنابراین، ارمنستان در راستای تمایل خود به تنوع‌بخشی می‌تواند به طور مساوی روابط خود را با همه مراکز قدرت از جمله ایران، توسعه دهد (Vasadze, 2023).

با این وجود دیدار پاشینیان، بلینکن و فون در لاین در تاریخ ۵ آوریل ۲۰۲۴ در بروکسل به یک نقطه عطف مهم در تعمیق همکاری بین ارمنستان و جامعه یورو - آتلانتیک تبدیل شد. این رویداد واکنش تندی در مسکو، به همراه داشت. در تاریخ ۲۸ مارس، سخنگوی وزارت خارجه روسیه ماریا زاخارووا، بیان کرد که «این گونه رویدادها نگرانی‌هایی در روسیه ایجاد می‌کند، زیرا مقامات آمریکایی و اروپایی به وضوح به شرکای ما می‌گویند که هدف اصلی آن‌ها به طور انحصاری علیه روسیه است.» برای ج.ا. ایران هم این گونه ملاقات‌ها با هدف ایجاد صلح بین آذربایجان و ارمنستان نیست، بلکه فرصتی برای غرب فراهم می‌آورد تا با رویکردهای بسیار مخرب خود، در قفقاز جنوبی نفوذ بیشتری پیدا کند، خطوط جدیدی ایجاد کند، ارمنستان و آذربایجان را وادار به پیروی از یک برنامه ضدایرانی کند، روابط کهن آن‌ها با تهران را تخریب و سازوکارهای موجود امنیت و همکاری اقتصادی منطقه را متزلزل کند (De waal, 2024: 21). همچنین پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، طرح جدیدی برای همکاری منطقه‌ای به نام چهارراه یا تقاطع صلح (شکل ۲) در اجلاس جاده ابریشم در تفلیس معرفی و ابراز امیدواری کرد که این ابتکار به توافق صلح با آذربایجان و بهبود روابط با ترکیه منجر می‌شود. این طرح نه تنها کریدور زنگزور را بی‌وجه می‌کند؛ بلکه ایران را نیز از مسیرهای ترانزیتی خود در مرزهای شمال غربی دچار چالش می‌کند. طرح چهارراه صلح پاشینیان به آذربایجان و ترکیه پیشنهاد می‌دهد که مرزهای زمینی خود را بازگشایی کرده و از طریق چندین مسیر که از ارمنستان می‌گذرد به یکدیگر متصل شوند. طرح با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی طرفین، به‌عنوان جایگزینی برای طرح کریدور زنگزور آذربایجان عمل می‌نماید، طرح پاشینیان به آذربایجان و ترکیه یک مسیر اضافی از طریق ارمنستان ارائه می‌دهد که تجارت بین کشورهای همسایه را که در حال حاضر به مسیرهای زمینی از طریق گرجستان و ایران متکی هستند، تسهیل می‌کند و ج.ا. ایران ممکن است در حاشیه قرار گیرد. از سوی دیگر ارمنستان به تازگی در سال ۲۰۲۴ کنترل چهار روستای مرزی دیگر را که چند دهه قبل از جمهوری آذربایجان گرفته بود، رسماً به این کشور بازگرداند.

ایروان این تصمیم را یک گام ضروری در جهت عادی‌سازی روابط بین این ۲ کشور همسایه که تاکنون ۲ جنگ را بر سر کنترل منطقه قره‌باغ داشته‌اند، دانست. مناطقی که ارمنستان به جمهوری آذربایجان برگرداند، دارای اهمیت استراتژیکی برای این کشور بودند

چون بخش‌هایی از یک بزرگراه مهم به گرجستان از آن عبور می‌کرد. تصمیم اخیر پاشینیان خشم ساکنان محلی را در پی داشته است. ساکنان محلی می‌گویند این اقدام پاشینیان باعث قطع شدن دسترسی آن‌ها به دیگر نقاط کشور شده و این نخست‌وزیر ارمنستان را به واگذاری اراضی بدون آنکه چیزی در ازای آن بگیرد، متهم کرده‌اند. پاشینیان اما از اقداماتش دفاع و اظهار کرده که هدف از آن حصول یک توافق صلح با جمهوری آذربایجان است. هزاران معترض ارمنستانی نیز با فراخوان اسقف‌اعظم «باگرات گالستانیان» که متعلق به کلیسایی در منطقه «تاووش» محل قرارگیری این روستاهای واگذار شده است، مرکز ایروان را اشغال کردند (Aljazeera, 2024). گفتمان روحانیت کلیسای ارمنی با توجه به خصومت تاریخی آن‌ها با یهودیت و صهیونیسم کاملاً سازگار و همراستا با گفتمان جمهوری اسلامی است. ج.ا. ایران باید در کنار تقویت نیروی هوادار و حمایت از آن برای پیشبرد گفتمانی صحیح در باکو و جبران عقب ماندگی چندین ساله در این کشور، در کنار دولت ارمنستان از کلیسای ارمنی ضدصهیونیستی ارمنستان نیز حمایت کند تا این دو بال بتوانند به حفظ منافع ایران در ارمنستان کمک کنند. این درک باید در مورد نقش و جایگاه کلیسای ارمنی که تفاوت جدی با کلیسای کاتولیک و ... دارد، رخ دهد.

شکل ۲: چهارراه یا تقاطع صلح ارمنستان



Source: Atlantic council, 2024

## نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز جنوبی بعد از توافق آتش‌بس جنگ اکتبر ۲۰۲۰ قره‌باغ در حال گذار به نظم جدید ژئوپلی‌نومیکی است که در آن بازیگران مهم منطقه‌ای در حال رقابت برای گسترش نفوذ و برعهده گرفتن نقشی فعال هستند. در این میان، ایران به عنوان کشوری که مرزهای طولانی با منطقه دارد و به طور مستقیم از پویایی‌های امنیتی آن متأثر می‌شود، سازوکاری برای گسترش قلمرو نفوذ ژئوپلی-نومی و فرمولی برای همگرایی با کشورهای قفقاز جنوبی مخصوصاً ارمنستان ارائه داده است. با این حال برای یک تحلیل‌گر مسائل منطقه‌ای همکاری گسترده میان ج.ا. ایران و اولین کشوری که مسیحیت را در قفقاز به عنوان دین رسمی اعلام کرد، امری عجیب به نظر برسد. اما این همکاری را می‌توان پاسخی به بسیاری از عوامل مساعد و نامساعد داخلی، منطقه‌ای و ژئوپلیتیک دانست و به عبارت دیگر دلایل سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک عامل همکاری فزاینده جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان بوده است. از دیدگاه ایران، ارمنستان وظیفه نوظهور حفاظت از غرب و شمال ایران را در برابر نفوذ ترکان را بر عهده دارد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری و نفوذ سیاسی جامعه ارمنی در آمریکا و اروپا منافع ایران را تامین می‌کند. ارمنستان هم، ایران را کشوری می‌داند که می‌تواند به وسیله آن اقتصاد خود را احیا کند و رویکرد آن به روابط دوجانبه تغییری نکرده است. از دیگر عوامل موثر در تقویت روابط ایران و ارمنستان می‌توان به نفوذ فزاینده ژئوپلیتیک ترکیه در منطقه، روابط نزدیک آذربایجان و گرجستان با ترکیه و اختلافات ترکیه و ارمنستان اشاره کرد.

سیاست منطقه‌ای ایران در مراحل مختلف بر ایجاد شرایط مناسب برای تقویت مواضع ارمنستان متمرکز بود؛ همان‌طور که در بالا ذکر شد، ارمنستان "حفاظت از غرب و شمال ایران در برابر نفوذ ترک‌ها" را تسهیل می‌کند؛ بنابراین تهران سیاست خود را در قفقاز جنوبی با توجه به اهداف خود شکل داده است و تهدیدات احتمالی علل گسترش روابط ایران و ارمنستان نیز شامل تنش فزاینده ارمنستان با آذربایجان و ترکیه به دلیل ادعاهای ایروان در مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی و ادعای "نسل‌کشی" و همچنین خطر وابستگی کامل اقتصادی و نظامی و انرژی ارمنستان به روسیه است. دلیل دیگر نزدیکی ایران و ارمنستان رویکرد گفتگوی تمدن‌ها و ارتباط اسلام با مسیحیت است. همچنین روابط ایران و ارمنستان جنبه ملایم بنیادگرایی ایران و به‌نوعی برادری اسلام و مسیحیت در جامعه جهانی را نشان می‌دهد. به طور خلاصه ایران، سیاست خود در قبال ارمنستان را بخشی از "گفتگوی تمدن‌ها" می‌داند؛ در مورد بحران قره‌باغ اگرچه ایران به طور مداوم حاکمیت آذربایجان بر این سرزمین را تأیید کرده است، اما باین‌حال، به نظر می‌رسد که به‌طور خاموشی از منافع ایروان حمایت

می‌کند. این موضوع در حال حاضر در کشمکش بر سر آنچه به عنوان کریدور زنگزور شناخته می‌شود، در حال ظهور است. پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، آذربایجان بخش‌های بزرگی از سرزمین از جمله تمام مرز خود با ایران تصرف کرد. باکواز آن زمان درباره تمایل خود برای پیشرفت در توسعه یک مسیر حمل‌ونقل در امتداد لبه جنوبی ارمنستان - کریدور زنگزور - صحبت کرد تا سرزمین اصلی خود را نخجوان متصل کند. ایران یک گزینه جایگزین را پیش کشیده است به طوری که در اوایل اکتبر، ایران عملیات ساخت یک پل را آغاز کرد که تسهیل‌کننده عبور سریع‌تر بین سرزمین اصلی آذربایجان و نخجوان از طریق خاک خود خواهد بود و به این ترتیب به طور نظری نیاز به کریدور آذربایجانی از طریق ارمنستان را از بین می‌برد. ایران در این وضعیت از موضع منافع استراتژیک خود عمل می‌کند و مشتاق است که از ایجاد یک کریدور فیزیکی در مرز شمالی خود جلوگیری کند که می‌تواند جهان ترک زبان را متحد کرده و دسترسی آن به ارمنستان و نقاط شمالی‌تر را قطع کند.<sup>۱</sup>

## منابع و مآخذ

### فارسی

امیری، مهدی و فلاحی، احسان (۱۴۰۱)، ژئوپلنومی روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان. **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۵، شماره ۲، پاییز و زمستان. بهمنی، زهیر و همکاران (۱۴۰۲)، تبعات اقتصادی و امنیتی مناقشه قره‌باغ بر جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه جغرافیا**، دوره ۱۳، شماره ۵۲، پاییز. کولایی، الهه و تقی‌آباد حسینی، سید مهدی (۱۳۹۸)، دیپلماسی علمی ایران در روابط با ارمنستان. **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۰۸، زمستان. صالحی یگانه، مهرداد و رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۲)، اتحاد آنکارا- باکو در جنگ دوم قره باغ و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و هفتم، شماره ۲، تابستان.

### لاتین

Aljazeera(2024), Armenia returns four border villages to Azerbaijan as part of deal. <https://www.aljazeera.com/news/2024/5/24/armenia-returns-four-border-villages-to-azerbaijan-as-part-of-deal>.

<sup>۱</sup>. از تمام همکارانم در دانشگاه گیلان مخصوصا هسته پژوهشی مطالعات سیاسی- اقتصادی اوراسیا در دانشگاه گیلان نهایت سپاسگذاری را دارم.

- Atlantic council(2024), How Armenia's 'Crossroads for Peace' plan could transform the South Caucasus. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/how-armenias-crossroads-for-peace-plan-could-transform-the-south-caucasus>.
- Bakir, A. (2022) Why Iran is sabotaging an Armenia Azerbaijan peace deal, **The New Arab**, 28 November, <https://www.newarab.com/analysis/why-iran-sabotaging-armenia-azerbaijan-peace-deal> (accessed 2 February 2023).
- Castillo, Nicholas(2024), Armenia's Ties to Iran: A Potential Wrinkle in Yerevan's Pivot West. <https://www.caspianpolicy.org/research/armenia/armenias-ties-to-iran-a-potential-wrinkle-in-yerevans-pivot-west>.
- De Waal, Thomas(2024), Armenia Navigates a Path Away From Russia. <https://carnegieendowment.org/research/2024/07/armenia-navigates-a-path-away-from-russia?lang=en&center=europe>.
- Gevorgyan, Anna(2023), RED LINES AND GREEN LIGHTS: IRAN'S BALANCING POLICY IN THE SOUTH CAUCASUS. **Analytical Bulletin (CCCS)** 16 (2023): 7-32 DOI: 10.56673/18294502-23.16.
- Heiran-Nia, J. and Monshipouri, M. (2023) Raisi and Iran's foreign policy toward the South Caucasus, **The Muslim World**, 113(1-2): 120-139.
- Mammadli, Rerf. (2023) Iran's growing influence in the South Caucasus. **International Politics and Society**, 23 January; <https://www.ips-journal.eu/topics/democracy-and-society/irans-growing-geopolitical-position-in-the-southcaucasus-6459> (accessed 3 February 2023).
- Melkonian, Sergei(2024), Iran's Role in Armenia's Foreign Policy Diversification. Published by **Armenpress**, original at <https://armenpress.am/en/article/1131846>
- mfa.am(2024), Bilateral Relations with iran. <https://www.mfa.am/en/bilateral-relations/ir>.
- Potapkins, Sergejs(2024), The choice for Armenia: between Iran and the West. <https://www.liia.lv/en/opinions/the-choice-for-armenia-between-iran-and-the-west-1232>.
- Roubanis, Ilya(2024), Iran's Security Posture in the South Caucasus After the War in Ukraine. **Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program**, Joint Center, Feature Article May 30.
- Seferian, Nareg(2024), Shifting Sands, Unmoved Mountains? Relations between Armenia and Iran since the Second Karabakh War. **Caucasus Analytical Digest**, 136, 16-20. <https://doi.org/10.3929/ethz-b-000657553>.
- Shahverdyan, Lilit and John Horan(2023), Armenia, Iran eye warming ties despite divergent interests. <https://eurasianet.org/armenia-iran-eye-warming-ties-despite-divergent-interests>.
- Special Eurasia(2023), Armenia-Azerbaijan: Iran's Rising Mediation Role in the South Caucasus. <https://www.specialeurasia.com/2023/10/24/iran-south-caucasus/>.
- Vasadze, Gela(2023), Political Geometry of Armenia: Between Russia, Iran, and the EU. <https://besacenter.org/political-geometry-of-armenia-between-russia-iran-and-the-eu/>.
- Voskanyan, Harutyun(2022), Armenia in a Triangle of Great Power Management: Regional competition on the Nagorno-Karabakh conflict. **Przegląd Europejski**, ISSN: 1641-2478 vol. 2022 no. 1 doi: <https://doi.org/10.31338/1641-2478pe.1.22.10>.
- Yeo, A. and Souleimanov, E. A. (2023b) Russia's Weakened Influence in Central Asia and the Caucasus, **Central Asia and Caucasus Analyst**, 6 July, <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13761-russiasweakened-influence-in-central-asia-and-the-caucasus.html> (accessed 10 October 2023).